



اقتصاد هندوستان و توفیقات آن

ابر قدرتی به نام هند

اقتصاد هند که آهسته آهسته بر سر زبان‌ها افتاده است، به زودی عنوان یکی از رهبران دنیا را با خود یدک خواهد کشید.

اقتصاد هند بر مبنای محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت جاری، یازدهمین و بر اساس برابری قدرت خرید، چهارمین اقتصاد بزرگ دنیا به شمار می‌رود. به دنبال اصلاحات ساختاری در این کشور که بر موج تغییر ساختار سوسیالیستی اقتصادی به سیستمی آزاد سوار بود، توسعه و رشد اقتصاد هند روند فزاینده خود را آغاز کرد. حاکمیت بازار بر مبنای اقتصاد آزاد از سال ۱۹۹۰ به بعد به ایجاد ساختاری رقابتی و بر پایه سرمایه‌گذاری خارجی استوار شد. اقتصاد هندوستان به عنوان یک قدرت نوظهور در دنیا امروزه بر مبنای اشتراک گسترده منابع طبیعی و انسانی استوار است. این دو عامل در کنار مهارت‌های انحصاری در زمینه‌های گوناگون مانند صنایع ارتباطات و تکنولوژی برتر (High-Tech) این کشور را تا سال ۲۰۲۰ رهبر قدرت‌های اقتصادی جهان خواهند ساخت.

بر اساس گزارش گلدمن ساکس از اوضاع اقتصادی گروه BRIC (کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین)، هند تا سال ۲۰۲۳، پس از چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ دنیا قدرت‌های امروزی را پشت سر خواهد گذاشت. تا پیش از سال ۱۹۹۱ هندوستان بر پایه تفکرات سوسیال دمکرات اداره می‌شد و این منطق قوانین گسترده و دست و پا گیر، حمایت‌های وسیع و بی‌ضابطه از تولید، مالکیت دولتی رو به رشد، رشوه‌های فراگیر و رشد اقتصادی کند را به این کشور تحمیل کرده بود. از سال ۱۹۹۱ تاکنون اصلاح ساختار و آغاز آزاد سازی اقتصادی به حرکت

صعودی اقتصاد بر پایه تفکر بازار منجر شد؛ به طوری که در آغاز دهه اول قرن بیستم میلادی، هندوستان توانست روند فزاینده رشد اقتصادی خود را تجربه کند. این رشد تا جایی پیشرفته است که این کشور توانست در سال ۲۰۰۸ دومین کشور دنیا از بُعد سرعت رشد محصول ناخالص داخلی به حساب بیاید. با این حال، اگر چه در سال ۲۰۰۹ اقتصاد این کشور با گندلی آهنگ رشد تا نرخ ۶/۸ درصد مواجه گردیده، اما همچنان در این زمینه پس از چین، پیشنات اقتصادهای بحران زده دنیا به حساب می‌آید.

موتور رشد هند

پنجاه و پنج درصد کل GDP هند از محل خدمات صنعتی است. بخش‌های صنعت و کشاورزی در آن به ترتیب ۲۸ و ۱۷ درصد کل محصول ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال، بخش کشاورزی ۵۲ درصد از سهم اشتغال را در این کشور به خود معطوف کرده است. بخش‌های خدمات و صنعت به ترتیب با سهم‌های ۳۴ و ۱۴ درصدی در جایگاه‌های دوم و سوم اشتغال این

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۵ جادوی رقابت

۴۶ قوی اما شکننده

۴۷ جاذبه و دافعه سیاسی

۴۸ پارک نرم افزار

کشور قرار دارند. معنای این امر آن است که ۳۴ درصد جمعیت فعال هندوستان، در حدود ۵۵ درصد محصول ناخالص داخلی و ۵۲ درصد دیگر در حدود ۱۷ درصد آن را تولید می‌کنند. با همین حساب ساده می‌توان به این نکته پی برد که هند هنوز از تمام ظرفیت‌های خود - به ویژه در بخش کشاورزی و صنعت - استفاده نکرده و تقویت بخش عظیمی از نیروی کار آن در بخش کشاورزی می‌تواند به طرز فزاینده‌ای به رشد اقتصادی این کشور بی‌انجامد. محصولاتمانند گندم، دانه‌های روغنی، کتان، جوت (کنف هندی)، چای، نیشکر، سیب زمینی، پرورش دام همچون گاو میش، گوسفند، بزغاله، ماکیان و ماهی از مهمترین فعالیت‌های بخش کشاورزی در هندوستان به حساب می‌آیند. صنایع اصلی آن هم عبارت‌اند از صنایع

روند ظهور اقتصاد هند

درصد/میلیارد دلار

شاخص	۱۹۸۸	۱۹۹۸	۲۰۰۷	۲۰۰۸
GDP	۲۹۳/۱	۴۱۶/۳	۱,۱۷۶/۹	۱,۱۵۹/۲
تشکیل سرمایه ناخالص به GDP	۲۳/۶	۲۲/۶	۳۸/۷	۳۹/۷
صادرات کالا و خدمات به GDP	۶/۱	۱۱/۲	۲۱/۲	۲۲/۷
پس‌انداز داخلی به GDP	۲۲/۲	۲۱/۰	۳۵/۲	۳۴/۳
تراز حساب جاری به GDP	-۲/۹	-۱/۰	-۱/۵	-۲/۶
کل بدهی‌ها به GDP	۲۱/۰	۲۳/۷	۱۷/۴	۱۹/۹
تورم	۱۱/۲	۱۳/۱	۶/۲	۸/۰
کل صادرات کالا و خدمات	۱۸/۲	۴۷/۴	۲۵۶/۲	۲۷۶/۴
واردات کالا و خدمات	۲۶/۸	۵۸/۵	۳۱۰/۳	۳۴۶/۰
تراز حساب جاری	-۸/۵	-۴/۳	۱۰۹/۴	۹/۹
بدهی کل	۶۱/۶	۹۸/۷	۲۰۴/۹	۲۳۰/۶

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از بانک جهانی

ارتباطی و فناوری اطلاعات، نساجی، صنایع شیمیایی، فولاد، حمل و نقل، سیمان، معدن، فرآورده‌های نفتی، ماشین آلات و صنایع دارویی.

درآمد سرانه اسمی مردم هندوستان رقمی در حدود هزار و ۳۲ دلار است که این رقم در سال ۲۰۰۹ این کشور را در رده ۱۴۲ جهان قرار داده است. البته همین شاخص بر

مبنای قدرت خرید ۳ هزار و ۱۵ دلار بوده و بر این اساس، جایگاه ۱۲۷ جهان از آن هندوستان می‌باشد. طبق آمارهای سازمان تجارت جهانی، هندوستان در حدود ۱/۵ درصد کل تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۸ کل صادرات کالا و خدمات این کشور حدود ۲۷۶ میلیارد و میزان واردات آن حدود ۳۴۶ میلیارد دلار بوده است.

محصول ناخالص داخلی هند در سال ۲۰۰۹ حدود هزار و ۳۳۷ میلیارد دلار بوده که اگر چه این رقم ۴/۵ برابر سال ۱۹۸۸ میلادی است، اما نسبت به سال ۲۰۰۷ کاهش جزئی را نشان می‌دهد.

آمارها همچنین حکایت از آن دارند که در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ به طور متوسط جمعیت هندوستان حدود ۱/۴ درصد رشد داشته که این رقم از میانگین کشورهای آسیای جنوبی - که رشدی ۱/۵ درصدی را در مقوله جمعیت تجربه کرده‌اند - پایین‌تر است. در عین حال، ورود نیروی کار هندی به بازار ۱/۹ درصد رشد داشته که این رقم در کشورهای جنوب آسیا ۲/۲ درصد بوده است. امید به زندگی در هندوستان ۶۴ سال است و از این حیث، هندوستان به میانگین سایر کشورهای جنوب آسیا که به طور متوسط ۶۵ سال عمر می‌کنند، نزدیک است.

رها از غل و زنجیر

ژوئیه ۱۹۹۱ نقطه آغاز تاریخ اقتصادی هندوستان به حساب می‌آید؛ زمانی که اقتصاد این کشور مرزهای سیاست‌های دولتی را درنوردید و به سوی آزادی حرکت کرد. تا دهه ۹۰ میلادی، حاکمیت اقتصادی بر عهده دولت مرکزی بود و این نوع حاکمیت، بازار را در اقتصاد هندوستان به گونه‌ای مصرف محور بار آورده بود. این سبک مدیریت، خروج نامبارکی داشت به نام رکود اقتصادی. رشد اقتصادی اندکی که از زمان راجیو گاندی آغاز شده بود، اگر چه رقم ناچیزی بود، اما نوید بخش روزهای بهتر برای مردم این کشور به شمار می‌آمد. با آغاز اصلاحات اقتصادی در دهه پایانی قرن بیستم، بسیاری از محدودیت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از میان برداشته شدند و این امر، موجب رشدی سریع در ارتباطات، خدمات و بخش کشاورزی گردید. نتیجه این اقدامات، رشد ۷ درصدی اقتصاد این کشور بود. توسعه اقتصاد ملی تنها توفیق این کشور نبود و باید گفت آغاز اصلاحات اقتصادی به رشد سرمایه‌گذاری‌های خارجی هندوستان در ورای مرزهای آن کشور

انجامید. امروز هندوستان سومین کشور بزرگ سرمایه‌گذار در ایالات متحد آمریکا - که خود بزرگترین سرمایه‌گذار جهان است - به شمار می‌رود. جنگ بین سرمایه‌گذاران خارجی هم برای آن که تکه‌ای از بازار هندوستان را در اختیار بگیرند، نزاعی مثال‌زدنی است.



برج مراقبت بهادر

هندوستان به عنوان یک اقتصاد با رشدی سریع، تاکنون منافع فراوانی را از محل اوراق بهادار خود کسب نموده که این منافع، تأثیرات فراوانی را بر اقتصاد آن کشور بر جای نهاده‌اند. گزارش‌های سال ۲۰۰۸ از تحرک ۴۶۰ میلیارد دلاری سرمایه و جوه ناشی از محل اوراق بهادار حکایت دارند که این منبع عظیم مالی، حکم یک ناجی بزرگ را در شرایطی که سیستم بانکی هندوستان با مشکلاتی مثلاً در بُعد اخذ وام‌های خارجی مواجه می‌شود ایفا خواهد کرد.

شرکت‌های هندی با این حقیقت که تأمین مالی پروژه‌هایشان از طریق انتشار اوراق بهادار می‌تواند به دلیل نرخ‌های بهره پایین‌تر، از منفعت بالاتری برخوردار باشد، راه را برای استفاده کوتاه مدت تأمین سرمایه باز گذاشته‌اند. بازارهای مالی هندوستان همانند یک برج مراقبت در اقتصاد این کشور عمل می‌کنند. بازار سهام در این کشور از قدیمی‌ترین بازارهای آسیا به شمار می‌رود که از سال ۱۹۵۶ تاکنون فعال است. همچنین از سال ۱۹۹۴ بورس سهام ملی این کشور آغاز به کار کرد. اهداف این بورس، ایجاد شرایط مساعد برای نقل و انتقالات سریع سهام و جذب سرمایه‌گذاران کوچک بازار است. بازار سرمایه در این کشور از اهمیت بالایی برخوردار بوده و بر خلاف کشورمان، نظام بانکی در مقابل آن نقش چندانی در فرآیند تأمین سرمایه ندارد؛ به طوری که نسبت سرمایه بانکی به دارایی‌ها در هندوستان که نسبت سرمایه بانکی و ذخایر به کل دارایی‌ها است، رقمی در حدود ۶/۴ درصد تخمین زده می‌شود. این رقم با عنایت به این که سرمایه و ذخایر بانکی شامل درآمدهای مالکان و صاحبان سرمایه، سودهای تقسیم نشده، ذخایر عمومی و اختصاصی و بسیاری موارد دیگر است، رقم پایینی محسوب می‌شود. ■

زیرساخت‌های مالی

رشد اقتصادی هندوستان را در دهه‌های اخیر می‌توان مدیون زیرساخت‌های مالی آماده در آن دانست. در میان کشورهای جهان، پس از چین باید هند را تنها کشور دنیا دانست که رشدی بیش از ۷ درصد را در شرایط کنونی تجربه کرده است. مؤسسات مالی-تجاری در این کشور تلاش‌های سودمندی را در جهت تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز به عمل آورده‌اند که تأمین منابع مالی توسعه اقتصادی یکی از این اقدامات است. اقدامات دولت در این مسیر از اهمیت بالایی برخوردارند. دولت با تصویب قوانین توسعه زیرساختی در اقتصاد، به رفع موانع موجود در زمینه سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی اقدام نموده است. با این اقدامات، آینده بهتری را می‌توان برای مؤسسات مالی غیربانکی در این کشور پیش‌بینی کرد. طبق قوانین اصلاحی هندوستان، فعالیت‌های تأمین مالی در بخش‌های زیرساختی با حمایت‌های ویژه بانک مرکزی هندوستان همراه خواهند بود. بازارهای مالی هندوستان به طور کلی همانند صندوقی بزرگ برای ذخیره سرمایه‌گذاری‌های مالی خارجی عمل می‌کنند. در عین حال، باید گفت اصلاحات آزادی اقتصادی، هجوم سیل آسیای سرمایه‌گذاری‌های مالی را به این کشور رقم زدند که نتیجه آن، تأثیرات فراوان بر اقتصاد هند بود. توسعه بر پایه صادرات از محورهای دیگر توسعه اقتصادی در هند به شمار می‌رود که تأثیر متقابلی را بر حداکثر سازی توسعه اقتصادی بر جای نهاده است. توسعه صادرات به رشد گسترده درآمدهای ملی می‌انجامد و جایی که درآمدها افزایش یابند، انگیزه تولید بیشتر شده و در نتیجه صادرات هم رشد خواهد کرد. از گزینه‌های مهم اقتصاد هندوستان در این زمینه، جذب